

پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران
سال هفتم، شماره پیاپی ۲۱، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷
تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۷/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۰۹
صص ۳۷-۵۲

بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش به نابهنجاری اجتماعی در بین دانش‌آموزان متوسطه دوره اول شهر خلخال در سال تحصیلی ۹۴-۹۳

صمد عابدینی، استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران*
حمیرا جعفری، کارشناس ارشد پژوهش علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد خلخال، ایران

چکیده

این مطالعه با هدف بررسی عوامل اجتماعی مرتبط با نابهنجاری‌های اجتماعی دانش‌آموزان در شهر خلخال انجام شده و روش مطالعه، پیمایشی و ابزار اندازه‌گیری پرسش‌نامه محقق‌ساخته بوده است. جامعه آماری دانش‌آموزان دختر و پسر سال نخست مقطع متوسطه تحصیلی در سال ۹۳-۹۴ شهر خلخال، برابر با ۱۶۶۴ نفر بوده و حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران ۳۰۱ نفر تعیین شده و روش نمونه‌گیری طبقه‌ای بوده است. با استفاده از نظریه‌های کنترل اجتماعی، بیگانگی و خرده‌فرهنگ کج‌روی متغیرهای تحقیق استخراج شده‌اند. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد همبستگی متغیرهای مستقل، مانند معاشرت با دیگران ناباب با ضریب ۰/۵۱۵، استفاده از رسانه‌های نوظهور ۰/۲۷۶، ساختار تعاملات اعضای خانواده از لحاظ اظهاری ۰/۲۱۹- و ابزاری ۰/۴۱۱، و پایگاه اجتماعی ۰/۲۳۵ و اقتصادی ۰/۱۳۹، با گرایش به نابهنجاری اجتماعی معنادار است و مشارکت در امور مدرسه با گرایش به نابهنجاری با ضریب ۰/۱۰۲- معنادار نیست. همچنین، معاشرت با دوستان ناباب در تبیین متغیر وابسته بیشترین سهم را دارد.

واژه‌های کلیدی: نابهنجاری اجتماعی، ساختار تعاملات اجتماعی، رسانه‌های نوظهور، معاشرت با دیگران ناباب، مشارکت در امور مدرسه.

مقدمه

نابهنجاری از سه هدف تربیتی، انضباطی و آموزشی مشتق می‌شود؛ بنابراین، سه بعد: ۱- نابهنجارهای مربوط به برنامه‌های تربیتی، ۲- نابهنجارهای مربوط به نظم و مقررات و ۳- نابهنجارهای مربوط به آموزش و کلاس درس بوده را در بر دارد.

انسان در فرایند جامعه‌پذیری از طریق کنش‌های متقابل با دیگران، تجربه کسب می‌کند و از جمله مهم‌ترین نهادها «مدرسه» است که فرد در نخستین سال‌های زندگی رفتارهای بهنجار و نابهنجار را از طریق آن در خود درونی می‌سازد. مدرسه به دلیل داشتن مکانیزم‌های کنترل اجتماعی و گردهمایی مجموعه گروه همسالان و مشخص بودن وظایف و تکالیف افراد، در اجتماعی کردن فرد به‌طور بسزایی نقش دارد. از نظر کلوارد و اوهلین^۱ (۱۹۷۶) همه طبقات اجتماعی از نظر فرهنگی هدف‌های اولیه و یکسانی دارند (اهدافی مانند ثروت، موفقیت و امنیت) اما در این میان، این طبقه کارگر و ضعیف اجتماع است که از دسترسی به این غایت‌های مطلوب اجتماعی محروم می‌ماند. آنان همچنین معتقد بودند برخی از گروه‌های متشکل از فرزندان طبقه ضعیف، ساختارهای مجرمانه یا جایگزین فرصت را بر می‌گزینند؛ آن‌هم بدین دلیل که در می‌یابند فرصت‌های در دسترس آنان از ایشان دریغ شده است (احمدی، ۱۳۸۸: ۸۸).

درباره گرایش به نابهنجاری اجتماعی متغیرهای متعددی بررسی شده اند که مطابق آنها عواملی همچون این مسائل بر این موضوع تأثیر دارند: داشتن روابط مطلوب در محیط مدرسه (سخاوت، ۱۳۸۱: ۳۵) تعهدهای آموزشگاهی و خانوادگی (فتح‌اللهی و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۰) تعلق به مدرسه، تعهد و تعلق به خانواده (آقازاده، ۱۳۸۹: ۹۴) تعهد به مدرسه، Jenkins (1997: 345) ضعف تعهد آموزشی (Heng & Wing, 2013: 610) و پایگاه اجتماعی و اقتصادی و دسترسی به منابع و امکانات (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

نابهنجاری‌های اجتماعی یکی از مظاهر مدنیت و اجتماعی زیستن است. بدیهی است در جایی که جمعی با یکدیگر زندگی می‌کنند، بحث درباره نابهنجاری‌های اجتماعی نیز وجود خواهد داشت و نابهنجاری‌های اجتماعی زاده محیط اجتماعی است. اگر محیط اجتماعی با شکل‌گیری روابط اجتماعی درست و ایجاد ساخت هماهنگ و موزون بین خواسته‌ها و امکانات و بین وسیله‌ها و هدف‌ها رابطه برقرار کند و فرهنگ جامعه را برای شکل‌گیری چنین زمینه‌ای به کار گیرد، رفتار افراد جامعه به طرف تحقق خواسته‌های سیستم اجتماعی و افراد سوق داده می‌شود. نابهنجاری‌های اجتماعی آن دسته از انحرافات اجتماعی هستند که عرف جامعه آنها را انحراف از هنجارها تلقی می‌کند؛ اما قوانین مکتوب، آنها را جزء مصادیق جرم و مستوجب کیفر تلقی نکرده است (ممتاز، ۱۳۸۱: ۳۷). کثرت رفتار اجتماعی به فردی اطلاق می‌شود که در چهارچوب اصول اخلاقی و قواعد عام عمل جمعی موجود در جامعه محل فعالیت کنشگر قرار نمی‌گیرد؛ بنابراین، با منع قانونی و قبح اخلاقی و اجتماعی مواجه می‌شود (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۵). درواقع، افراد هم‌نوا با هنجارها و ارزش‌های جامعه، بهنجار و افرادی که هم‌نوا نباشند، نابهنجار نامیده می‌شوند و از میان افراد نابهنجار، کسی که رفتار نابهنجاریش زودگذر نباشد و دیرگاهی دوام بیاورد، کثرت‌تار یا منحرف نامیده می‌شود (ستوده، ۱۳۸۰: ۳۶). انحراف اجتماعی به هر رفتاری گفته می‌شود که فرد برخلاف هنجارها و فرم‌های اجتماعی انجام می‌دهد و کارکرد وی را مختل می‌کند و به تبع آن، بر کارکرد خانواده و جامعه تأثیر می‌گذارد (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۵۲۴).

منظور از نابهنجاری‌های اجتماعی دانش‌آموزان، مجموعه قواعد اجتماعی در محیط مدرسه و بیرون از مدرسه است که دانش‌آموزان باید آنها را رعایت کنند و رعایت نکردن آنها با عکس‌العمل نمایندگان نظارت اجتماعی مواجه می‌شود (سخاوت، ۱۳۷۷: ۵). باتوجه به اهداف کلان آموزش و پرورش،

^۱ Cloward & Ohlin

شناسایی عوامل مستعدکننده و بازدارنده بروز نابهنجاری‌های اجتماعی به شکل ویژه‌ای اهمیت دارد.

براساس تئوری هیرشی (1969) پیوند فرد با جامعه، مهم‌ترین متغیر هم‌نوابودن یا هم‌نوابودن فرد است. بحث اصلی این نظریه این است که افراد به دنبال تأیید و تطبیق هستند؛ زیرا آنها با والدینشان به‌طور قوی‌ای پیوند دارند و به دنبال فعالیت‌های متعارف و پیروی از هنجارهای اجتماعی هستند. از نظر او پیوند بین والدین و فرزندان بهترین عامل و تقویت آن مهم‌ترین عامل در تعیین رفتار بزهکارانه است. تأکید این نظریه نه بر کمیت، بلکه بر کیفیت پیوندهاست (Hirschi, 1969 in Leiber et al., 2008:138) و اهمیت آن در ارتباط مفهومی فرد و نهادهای اجتماعی ریشه دارد؛ البته این نظریه ابتدا برای درک ویژگی‌های نوجوانان بزهکار استفاده شده است (Booth et al., 2008: 96).

شهر خلخال، از لحاظ بافت اجتماعی سنتی است و افراد بیشتر همدیگر را می‌شناسند و روابط رودررو دارند؛ به همین دلیل، با رجوع به برخی مدارس این شهر و ملاحظه دفتر انضباطی متوجه می‌شویم که با وجود آشنایی مسئولان مدرسه با دانش‌آموزان، رفتارهایی مانند بی‌نظمی و رفتارهای پرخطر، فرار از مدرسه و رعایت نکردن هنجارهای مدرسه مشاهده می‌شود. با توجه به این مسائل، این مطالعه با هدف شناخت عوامل اجتماعی مرتبط با گرایش دانش‌آموزان به نابهنجاری اجتماعی در صدد است به این سؤال پاسخ دهد که عوامل اجتماعی مرتبط با نابهنجاری اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه دوره نخست (دوره راهنمایی سابق) کدام‌اند؟

در زمینه سؤالات مطرح شده، این اهداف مدنظر قرار گرفته است:

۱- تعیین ارتباط بین ساختار تعاملات اعضای خانواده و گرایش به نابهنجاری اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه سال نخست دوره دبیرستان؛

بررسی موضوع نابهنجاری اجتماعی دانش‌آموزان به آن دلیل مهم است که مدرسه خود یکی از متولیان اصلی جامعه‌پذیری نیروی انسانی محسوب می‌شود. اگر در این کانون، نابهنجاری و عدول از ارزش‌های جامعه اتفاق افتد، این امر، نخست باعث می‌شود جامعه دیدی بدبینانه به کارکردهای این نهاد داشته باشد؛ به عبارتی جامعه اعتمادش را از دست خواهد داد. در مرحله دوم، به دلیل هنجارپذیری دانش‌آموزان از یکدیگر، چنانچه دانش‌آموزی اعمال خلاف را مرتکب شود، این پدیده در بین سایرین اشاعه خواهد یافت و به تبع آن، فرایند جامعه‌پذیری نیز با مشکل مواجه خواهد شد. دوره نوجوانی دوره‌ای بحرانی است و اگر عوامل مختلف تأثیرگذار نظیر والدین، محیط مدرسه، دوستان و در کل، عوامل اجتماعی محیط مناسبی را برای هویت‌یابی، همانندسازی و جامعه‌پذیری این گروه به وجود نیاورد، نوجوان آسیب‌پذیر و برای حرکت به طرف رفتارهای بزهکاری و خرابکاری مستعد خواهد شد. در این هنگام، انجام رفتار بزهکارانه به یک امر عادی تبدیل خواهد شد و قبح آن از بین خواهد رفت (جمشیدی، ۱۳۸۰: ۴۸). کودکان و نوجوانان، در سنین ۱۸-۶ سالگی به‌طور متوسط ۱۲۰۰۰ ساعت را در مدرسه می‌گذرانند. پس از خانواده، مدارس کانون اصلی زندگی به شمار می‌روند و فعالیت‌های مدارس در زندگی این گروه سنی به صورت فعالیت اصلی در می‌آیند. امروزه، از لحاظ تربیتی روشن شده است که مدرسه ساختارهای روانی و شخصیتی دانش‌آموزان را شکل می‌دهد. مدرسه محیطی است که دانش‌آموزان در آنجا شایستگی، شکست، موفقیت، محبوبیت، انزوا، طرد و... را تجربه می‌کنند (عباسی اول، ۱۳۹۱: ۳۳) بنابراین، با توجه به تأثیر بسیار مخرب نابهنجاری‌های اجتماعی بر سلامت جسمی، روانی و اجتماعی دانش‌آموزان و آسیب‌پذیری بیشتر آنان و اینکه متأسفانه بسیاری از رفتارهای پرخطر از این دوران شروع و تثبیت و به بروز انحرافات اجتماعی منجر می‌شود، در این گروه سنی

ناهنجاری‌های اجتماعی رابطه معناداری مشاهده شده و رابطه بین رضایت از مدیر مدرسه و میزان گرایش به ناهنجاری‌های اجتماعی تأیید نشده است.

شاطریان و همکاران (۱۳۹۲) پژوهشی با نام «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان» انجام داده است. در این مطالعه، عوامل اجتماعی مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان شهرستان آران و بیدگل ارزیابی شده است و جامعه آماری آن، دانش‌آموزان دبیرستانی این شهرستان هستند که به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌بندی سیستماتیک، نمونه‌ای ۵۴۳ نفری از میان آنان انتخاب شده‌اند. روش پژوهش پیمایشی و ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه بوده است. طبق نتایج حاصل شده، بین متغیرهای معدل، پایگاه اجتماعی، عملکرد خانواده، دسترسی به منابع و امکانات، عملکرد جامعه و ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان، رابطه معناداری وجود دارد؛ اما تفاوت معناداری بین جنسیت و ناهنجاری‌های رفتاری وجود ندارد. براساس نتایج تحلیل رگرسیونی بیشترین تأثیر متغیرهای مستقل بر ناهنجاری‌های رفتاری دانش‌آموزان، به ترتیب عبارت‌اند از: دسترسی به منابع و امکانات، عملکرد جامعه، معدل تحصیلی، پایگاه اجتماعی و عملکرد خانواده. متغیرهای باقی‌مانده در معادله رگرسیون، با هم‌دیگر ۵۸/۹ درصد از واریانس متغیر وابسته را تبیین می‌کنند؛ بر همین اساس، نمودار تحلیل مسیر ترسیم شده است.

حسینی (۱۳۷۹) در پژوهش خود، میزان و علل ناهنجاری‌های اجتماعی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی و روش‌های مقابله با آن را در شهر مشهد ارزیابی کرده است. جامعه نمونه این مطالعه، ۸۱۰ نفر از دانش‌آموزان دختر و پسر پایه سوم مقطع راهنمایی نواحی هفت گانه شهر مشهد بوده است که براساس جنسیت و ناحیه و به شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای متناسب انتخاب شده‌اند. در این بررسی از ۳ دسته نظریه شامل نظریه تضاد، کنترل اجتماعی و انحراف فرهنگی استفاده شده است. مطابق نتایج این بررسی در میان

۲- تعیین ارتباط بین معاشرت با دیگران ناباب (دوستان، همسالان، خویشان) و گرایش به ناهنجاری اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه این مقطع؛

۳- تعیین رابطه بین استفاده از رسانه‌های نوظهور (ماهواره و تبلت و...) و گرایش به ناهنجاری اجتماعی این دانش‌آموزان؛

۴- تعیین رابطه بین مشارکت در امور مدرسه و گرایش به ناهنجاری اجتماعی دانش‌آموزان؛

۵- تعیین رابطه بین نوع فعالیت عوامل مدرسه (معلم، معاون، مشاور و مدیر) و گرایش به ناهنجاری اجتماعی در میان دانش‌آموزان؛

۶- تعیین رابطه بین پایگاه اجتماعی اقتصادی و گرایش به ناهنجاری اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه سال نخست این مقطع و

۷- مقایسه ناهنجاری اجتماعی این دانش‌آموزان برحسب جنسیت.

پیشینه پژوهش

به باور جامعه‌شناسان، ریشه ناهنجاری‌های اجتماعی محیط اجتماعی است. آنها در تبیین پیامدهای ناهنجاری‌های اجتماعی از ۳ دیدگاه (کارکردگرایی، تضاد و کنش متقابل گرایی) استفاده می‌کنند. پژوهش‌های انجام شده در زمینه ناهنجاری از لحاظ نظری این ۳ دیدگاه را مبنای تبیین نظری خود قرار داده‌اند.

عباسی و شیرینی (۱۳۸۷) پژوهشی با عنوان «بررسی میزان گرایش دانش‌آموزان دوره متوسطه نظری به ناهنجاری‌های اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن در سازمان آموزش و پرورش استان زنجان در سال تحصیلی ۱۳۸۷» انجام داده‌اند. این مطالعه با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای و تصادفی ساده نسبی با حجم نمونه ۴۴۱ نفر انجام شده است. نتایج نشان می‌دهد بین احساس محرومیت نسبی دانش‌آموزان و اختلافات خانوادگی و میزان گرایش به

(احساس محرومیت نسبی، دلبستگی نوجوان به خانواده، پایگاه اجتماعی، عملکرد خانواده، اعتماد و سرمایه اجتماعی) اقتصادی (دسترسی به منابع و امکانات) آموزشی (معدل، موفقیت تحصیلی، رضایت از مدیر مدرسه) و فرهنگی (گوش دادن به نوارهای موسیقی غیرمجاز، دروغ گفتن، غیبت کردن، تماشای فیلم‌های غیرمجاز) سنجیده شده‌اند و مطابق نتایج یکی از پژوهش‌ها ناهنجاری با دانش‌آموزان معدل بالا به صورت معکوس ارتباط دارد؛ درحالی که در این زمینه، پژوهشگر از لحاظ نظری به ساختار خانواده و عوامل دیگر توجه نکرده بود. در مطالعه دیگری گوش دادن به موسیقی‌ها و تماشای فیلم‌های غیرمجاز با ناهنجاری ارتباط دارد؛ درحالی که اگر عواملی مثل کنترل در مدرسه و... در نظر گرفته نشود، رابطه بیشتر کاذب است.

مبانی نظری

نظریه‌هایی که در تبیین این پژوهش از آنها استفاده شده، نظریه کنترل اجتماعی، بازدارندگی، احساس محرومیت، بیگانگی و... است.

مطابق نظریه کنترل اجتماعی هیرشی (1969) اجزاء تعلق

و وابستگی به جامعه این موارد هستند:

۱- ارتباط با سایر افراد،

۲- پذیرش و مشارکت در نقش‌ها و فعالیت‌های

اجتماعی که ارزش و نتایجی برای آینده دارد و

۳- اعتقاد به ارزش‌های اخلاقی، هنجارهای فرهنگی و

امثال آن.

او می‌گوید کیفیت هرکدام از این موارد سه‌گانه در هر

مورد خاص، قادر است موجد هم‌نوابی و نیز علت ناهم‌نوابی

و کج‌روی باشد. مثلاً اگر کسی پیوندهای مختصری با افرادی

داشته باشد که طرفدار هم‌نوابی و رفتارهای قانونی و موجه

هستند، احتمال کج‌روی درباره او افزایش می‌یابد (هیرشی،

۱۹۶۹ به نقل از صدیق‌سروستانی، ۱۳۷۶: ۵۵).

دانش‌آموزان، ناهنجاری‌های رفتاری همچون گوش دادن به نوارهای موسیقی غیرمجاز، رفتارهای خشونت‌آمیز، دروغ گفتن، غیبت کردن، تماشای فیلم‌های غیرمجاز و رابطه با جنس مخالف، بیشترین فراوانی را داشتند و ناهنجاری رفتاری دانش‌آموزان پسر از دانش‌آموزان دختر بیشتر بوده است. همچنین، میزان ناهنجاری‌ها در خانواده از هم‌پاشیده و آسیب دیده نیز در مقایسه با خانواده‌های دیگر بیشتر بوده است.

رضایی (۱۳۸۹) مطالعه‌ای با موضوع «مقایسه و بررسی

میزان ناهنجاری در دانش‌آموزان پسر و دختر دوره راهنمایی و

دبیرستان» انجام داده است. شواهد پژوهشی او نشان می‌دهد

میزان ناهنجاری‌ها در افراد جوان در حال افزایش است. هدف

از این مطالعه، بررسی و مقایسه ناهنجاری‌های دانش‌آموزان

پسر و دختر مقاطع راهنمایی و دبیرستان و از نوع توصیفی و

مقطعی بوده است که تعداد ۲۶۷۳۳ آزمودنی از بین

دانش‌آموزان پایه دوم راهنمایی و اول دبیرستان (۱۵۶۰۲ دختر

و ۱۱۱۳۱ پسر) استان لرستان، به صورت نمونه و به طور

خوشه‌ای تصادفی و داوطلبانه در آن شرکت کرده‌اند. طبق

نتایج به دست آمده، ۹۹/۴۹ درصد پسران و ۷۱/۶۷ درصد از

دختران و ۳۳/۶۰ درصد از مجموع آنها ناهنجاری دارند.

اختلاف فراوانی‌ها بین دختران و پسران نیز معنادار بوده است.

براساس باور بال (۲۰۰۵) در پژوهش خود «کنترل تأثیر

عوامل خانوادگی بر روابط بین جوانانی که در معرض

بزهکاری قرار گرفته‌اند» بزهکاری نوجوانان، مسئله اجتماعی

روبه‌رشد، جدی و پرهزینه‌ای در ایالات متحده است. از نظر او

میزان انجام جرم و دستگیری در نوجوانان پسر نسبت به

نوجوانان دختر بیشتر است. به‌طور کلی، در این پژوهش، به

نقش محرک‌های تنش‌زا و سن بزهکاری اشاره شده است؛

به طوری که این محرک‌های تنش‌زا سن بزهکاری را کاهش

می‌دهند (بال، ۲۰۰۵، به نقل از نبوی و همکاران، ۱۳۹۰: ۸۷).

در جمع بندی کلی در زمینه مطالعات انجام شده، می‌شود

به این نتیجه رسید که متغیرهای تحقیق در ۴ بخش اجتماعی

محرومیت بین اعضای گروه‌های محروم در کانال‌های شکایت بیشتر باشد، احتمال زیر سؤال بردن مشروعیت بیشتر می‌شود. ب: هرچه عضویت در گروه‌های ممتاز بیشتر به دست گروه‌های محروم دنبال شود و برای تحرک کمتر اجازه داده شود، احتمال کناراندازی مشروعیت بیشتر می‌شود. ج: هرچه گروه‌های محروم، بیشتر از مطلق به نسبی تبدیل شوند، احتمال شروع تضاد توسط این گروه‌ها بیشتر می‌شود (ترنر، ۱۳۸۴: ۱۸۰).

کلوارد و اوهلین (۱۹۷۶) معتقدند از لحاظ فرهنگی همه طبقات اجتماعی هدف‌های اولیه و یکسانی دارند (اهدافی مانند ثروت، موفقیت و امنیت) اما در این میان، طبقه کارگر و ضعیف اجتماع، از دسترسی به این غایت‌های مطلوب اجتماعی محروم می‌مانند. همچنین، به باور آنان، برخی از گروه‌های متشکل از فرزندان طبقه ضعیف، ساختارهای مجرمانه یا جایگزین فرصت را بر می‌گزینند؛ آن‌هم بدین دلیل که در می‌یابند فرصت‌های در دسترس آنان از ایشان دریغ شده است. کلوارد و اوهلین، معتقدند در جوامع سرمایه‌داری و صنعتی برای احراز فرصت‌های شغلی موجود، متقاضیان بسیاری با توانمندی‌های لازم وجود دارد؛ اما انتخاب افراد برای استفاده از این فرصت‌ها بعضاً به عوامل خارج از توانمندی افراد وابسته است. عواملی چون قومیت، مذهب و قشربندی اجتماعی ممکن است در انتصاب افراد در مشاغل گوناگون نقش داشته باشد؛ بنابراین، محرومیت در استفاده از فرصت‌ها جوانان طبقه ضعیف را برای رفتار کج‌روانه مستعد می‌کند. فرایند مستثنی کردن بعضی افراد برای احراز برخی از مشاغل یا فرصت‌های آموزشی به برانگیختن افراد به ارتکاب رفتار مجرمانه منجر می‌شود (کلوارد و اوهلین، ۱۹۷۶، به نقل از احمدی، ۱۳۸۴: ۷۷).

بر اساس پارادایم کنش متقابل‌گرایی دلیل اساسی کزرفتاری اجتماعی تعامل متقابل افراد در زندگی اجتماعی و از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این پارادایم، ادوین ساترلند است.

سیمن می‌کوشد مفهوم بیگانگی را در قالبی منسجم و منظم به طور عملیاتی تعریف کند. در جامعه مدرن، بیگانگی به شکل مفهومی اساسی و کلیدی مطرح می‌شود که از مناسبات میان فرد و جامعه برخاسته است (Seeman, 1972: 86). این مفهوم، به صورت متغیری مستقل و وابسته دانسته می‌شود که هم منشأ و سرچشمه مسائل بزرگ و اصلی جامعه معاصر است و هم از ساختارها و واقعیات اجتماعی طبقاتی تأثیر می‌پذیرد. به نظر سیمن، احساس انزوای اجتماعی واقعیتی فکری است که در آن، فرد بی‌تعلق بودن و استقلال و انفصال تامه‌ای را با ارزش‌های مرسوم در جامعه احساس می‌کند (محسنی، ۱۳۸۶: ۱۵۲).

بیگانگان با احساس انزوا کسانی مانند روشنفکران هستند که برای اهداف یا باورهایی که در جامعه نوعاً بسیار معتبر است، از نظر پاداش ارزش کمی قائل‌اند (کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۵: ۴۱۴).

نظریه بازدارندگی والتر رکلس (۱۹۶۱) کنترل اجتماعی را خط دفاعی دوگانه‌ای می‌بیند که جامعه را علیه کزرفتاری حاد محافظت می‌کند. نخستین مانع حفاظتی جامعه‌پذیر شدن هریک از اعضای جامعه است که ویژگی‌های شخصیتی (خودکنترلی، خودپنداره و درونی کردن هنجارهای اجتماعی) را در بر می‌گیرد. مانع دوم که از آن به شکل بازدارندگی بیرونی نام می‌برد، توان کنترل بیرونی عوامل جامعه‌پذیری است که قوانین رسمی و خواسته‌های قانونی را در بر می‌گیرد (والتر رکس، ۱۹۶۱، به نقل از کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۵: ۱۴۰).

بر اساس دیدگاه تضاد، گروه‌های هر جامعه برای دستیابی به قدرت و رسیدن به منافع کمیاب، باهم در حال ستیزند. مارکس و وبر، به طور خاصی به اهمیت این دیدگاه توجه دارند. از نظر آنها در زندگی اجتماعی فرد برای رسیدن به طبقه قوی‌تر (مارکس) یا منزلت اجتماعی فراتر (وبر) به صورت دائمی باید مبارزه کند.

لویس کوزر، یکی از نخستین نظریه‌پردازان مدرن تضاد بود. کوزر، درباره مجموعه قضایا معتقد است: الف: هرچه

خاطرش به جامعه تضعیف و این احساس بیگانگی نسبت به هنجارها به ایجاد نابهنجاری‌های اجتماعی می‌انجامد. گزاره: دانش‌آموز اگر نتواند در مدرسه خود را با هنجارهای حاکم بر آن وفق دهد، خود را بیگانه حس خواهد کرد و به همین دلیل، نخواهد توانست در امور مدرسه شرکت کند و این امر، به جز احساس بیگانگی او به بروز نارضایتی عوامل مدرسه (مدیر، معلم و...) از اقدامات او منجر خواهد شد.

فرضیه: بین مشارکت در امور مدرسه و گرایش به نابهنجاری اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه سال نخست این مقطع، رابطه معناداری وجود دارد (هیرشی، ۱۹۶۹ به نقل از: صدیق سروستانی، ۱۳۷۶: ۵۵، سیمن، ۱۹۷۲: ۸۶ و رکلس، ۱۹۶۱، به نقل از کوزر و روزنبرگ، ۱۳۸۵: ۱۴۰).

«ساترلند، کوهن»

نظریه: رفتار انحرافی از طریق انتقال فرهنگی آموخته می‌شود. تعمیم: عوامل انتقال فرهنگی ممکن است همسالان، خویشان و رسانه‌های جمعی باشد. گزاره: اگر دانش‌آموزان از گروه‌های ناباب (خویشان و همسالان) و پیام‌های نابهنجار رسانه، در زمان طولانی و با فراوانی بیشتر تأثیر پذیرند، احتمال هنجارشکنی تشدید خواهد شد.

فرضیه‌ها: ۱- بین میزان معاشرت با دیگران ناباب (دوستان، همسالان، خویشان) و گرایش به نابهنجاری اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه سال نخست این مقطع، رابطه معناداری وجود دارد.

۲- استفاده از رسانه‌های نوظهور (ماهواره و تابلت و...) و گرایش به نابهنجاری اجتماعی این دانش‌آموزان، به‌طور معناداری باهم رابطه دارند (ساترلند، ۱۹۳۹ و کوهن، ۱۹۶۵، به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۰۱-۲۶).

نظریه انتقال فرهنگی ساترلند^۱ (1939): این نظریه بر نکته تأکید دارد که رفتار انحرافی از طریق معاشرت با دوستان ناباب آموخته می‌شود. این نظریه بیشتر بر فراگرد یادگیری فرهنگی تأکید می‌کند که طی آن، کژرفتاری و نابهنجاری آموخته می‌شود. نظریه ساترلند، وضعیت رفتار را بیشتر از نظر زمینه‌های رشد و پرورش شخصیت فرد در نظر می‌آورد. به اعتقاد او رفتار انحرافی روان‌شناختی یا ارثی نیست؛ بلکه مردم در طول جریان جامعه‌پذیری و در مصاحبت و معاشرت با هم‌نوایان، طغیان و تخطی از هنجارها را می‌آموزند و به طرف رفتار انحرافی کشیده خواهند شد (ساترلند، ۱۹۳۹ به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۰۱).

نظریه خرده فرهنگ کج روی کوهن^۲: این نظریه، تلفیقی از نظریه‌های بزهکاری و انحراف انتقال فرهنگی و بی‌هنجاری مرتن است. فرض اصلی کوهن بر این است که فرد منحرف و بزهکار و کج‌رو آرمان‌ها و اهداف مقبول اجتماعی فرهنگ جامعه را پذیرفته‌اند؛ اما به دلیل شکست یا نبودن فرصت مناسب و کافی برای دستیابی به اهداف مقبول و پسندیده اجتماعی به محرومیت دچار شده‌اند. آنها به همین دلیل، آرمان‌های موفقیت و اهداف مقبول و متداول در جامعه را با ارزش‌ها و هنجارهای دیگری برای به دست آوردن منزلت و وجهه جایگزین می‌کنند و در نتیجه، پاره‌فرهنگ بزهکار به وجود می‌آید که از طریق آن، افراد تلاش می‌کنند بر مشکلات خود فائق آیند (کوهن، ۱۹۶۵ به نقل از محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۲۶).

جمع‌بندی چارچوب نظری و فرضیه‌های برگرفته از آنها

«هیرشی، سیمن و رکلس»

نظریه: تعلق خاطر فرد به جامعه، به هم‌نوایی و همبستگی اجتماعی منجر می‌شود.

تعمیم: در فرایند جامعه‌پذیری اگر فرد نتواند ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را در خود نهادینه کند، دلبستگی و تعلق

¹ Sutherland

² Cohen

«مرتن و پارسونز»

بین نوع کنش عوامل مدرسه (معلم، معاون و مدیر) و گرایش به نابهنجاری اجتماعی دانش‌آموزان این مقطع، رابطه معناداری وجود دارد.

«کوزر»

نظریه: محرومیت و تحقیر زیردستان، در روابط متقابل اجتماعی به ایجاد تضاد با فرادستان منجر می‌شود.

تعمیم: درک کردن محرومیت در برخورداری از منابع اجتماعی در روابط بین زن و مرد نارضایتی ایجاد می‌کند. گزاره: دانش‌آموزان دختر، هر قدر طعم محرومیت و تحقیر را در تعاملات اجتماعی بچشند، بیشتر به کژرفتاری گرایش پیدا می‌کنند (کوزر، ۱۹۵۶ به نقل از ترنر، ۱۳۸۴: ۱۸۰).

فرضیه: بین جنسیت دانش‌آموزان و گرایش به نابهنجاری اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد. باتوجه به این مسائل، در این پژوهش، متغیرهای ساختار تعاملات اعضای خانواده، معاشرت با دیگران ناباب، استفاده از رسانه‌های نوظهور، مشارکت در امور مدرسه، نوع کنش عوامل مدرسه، پایگاه اجتماعی اقتصادی و جنسیت، متغیر مستقل هستند و نابهنجاری‌های اجتماعی دانش‌آموزان متغیر وابسته است.

روش‌شناسی پژوهش

در این پژوهش، روش جمع‌آوری اطلاعات پیمایشی و ابزار اندازه‌گیری پرسش‌نامه محقق‌ساخته است.

جامعه آماری ما همه دانش‌آموزان دختر و پسر سال نخست دوره متوسطه شهر خلخال در سال تحصیلی ۹۴-۹۳ هستند که طبق اعلام آموزش و پرورش آن منطقه، تعداد دانش‌آموزان دختر ۸۲۰ نفر و تعداد دانش‌آموزان پسر ۸۴۴ نفر در تعداد ۱۲ مدرسه پسرانه، ۱۰ مدرسه دخترانه و ۶ مدرسه مختلط است. حجم نمونه این مطالعه، ابتدا با استفاده از فرمول برآورد حجم نمونه کوکران و با ضریب اطمینان ۰/۹۵ به میزان ۳۰۱ نفر تعیین شده است.

نظریه: ساخت اجتماعی برای خود ارزش‌ها و هنجارهایی دارد که محدودیت‌ها و الزام‌هایی محسوب می‌شوند که فرد در حین عمل با آنها مواجه است.

تعمیم: پایگاه اجتماعی و اقتصادی به صورت ساخت اجتماعی حاوی ارزش‌ها و هنجارهاست که محدودیت‌ها و الزام‌هایی به شمار می‌روند که کودک در حین عمل با آنها مواجه می‌شود.

گزاره: دانش‌آموزان متعلق به پایگاه اجتماعی و اقتصادی خاص با تکیه بر ارزش‌ها و هنجارهای پایگاه خود، در مواجهه با نابهنجاری‌ها رفتار خود را تنظیم می‌کنند. فرضیه: پایگاه اجتماعی اقتصادی دانش‌آموز و گرایش به نابهنجاری اجتماعی آنها به طور معناداری باهم رابطه دارند (مرتن، ۱۹۸۰ و پارسونز، ۱۹۵۱ به نقل از ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۲۲).

«دیانا باومریند»^۱ (1972)

نظریه: در تعاملات اجتماعی احترام به شخصیت طرف مقابل، او را به پیروی از هنجارهای گروه علاقه‌مند می‌کند. تعمیم: دانش‌آموز در محیط خانه و مدرسه، با والدین و عوامل مدرسه (مدیر، معاون و معلم) تعامل دارد.

گزاره: در صورت وجود نداشتن تعاملات محترمانه و دموکراتیک میان والدین و عوامل مدرسه با دانش‌آموزان، گرایش آنها به نابهنجاری‌های اجتماعی بیشتر خواهد شد (Baumrind, 1980: 638).

فرضیه‌ها

بین ساختار تعاملات اعضای خانواده و گرایش به نابهنجاری اجتماعی دانش‌آموزان متوسطه سال نخست، رابطه معناداری وجود دارد.

¹ Diana Baumrind

ناهنجار، سنجیده شده است (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۳۵). همچنین، مشارکت در امور مدرسه، با پرسش از میزان مشارکت در امور مدرسه، همچون عضویت در شورای دانش‌آموزی، نماینده کلاس و... در قالب طیف چهارگزینه‌ای لیکرت شاخص‌سازی شده است. کواماتو (2001) رسانه‌های نوظهور و جدید را شامل این موارد می‌داند: تلگرام، فیس‌بوک، اینترنت و تابلت (Kawamoto, 2001: 80) بنابراین، در این مطالعه، متغیر استفاده از رسانه‌های نوظهور، با پرسش از میزان استفاده شبانه‌روزی از تلگرام، فیس‌بوک، اینترنت و تابلت عملیاتی شده است. متغیر مستقل پایگاه اجتماعی اقتصادی با پرسش از سرمایه فرهنگی و اقتصادی خانواده (تحصیلات والدین، شغل والدین، میزان درآمد خانواده و قیمت اتومبیل شخصی) عملیاتی شده است. شیوه نمره‌گذاری سؤالات نیز بدین روش بوده که برای گزینه هرگز = نمره ۱، گزینه به ندرت = نمره ۲، گزینه گاهی = نمره ۳ و گزینه همیشه = نمره ۴ منظور شده است.

اعتبار ابزار پژوهش مدنظر، براساس اعتبار صوری از طریق مراجعه به متخصصان تأمین شده و برای تعیین میزان پایایی ابزار سنجش، از روش توافق داخلی ابزار اندازه‌گیری استفاده کرده‌ایم که مهم‌ترین شاخص آن آلفای کرونباخ است. در این مقاله، آلفای محاسبه‌شده برای متغیر وابسته و متغیرهای مستقل بیشتر از ۷۰ درصد حاصل شده و این مسئله، نشان می‌دهد پایایی ابزار اندازه‌گیری مطلوب و خوب است.

جدول ۱- آلفای کرونباخ متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد گویه	آلفای کرونباخ
ناهنجاری‌های اجتماعی	۲۱	۰/۷۲۴
ساختار تعاملات اعضای خانواده	۱۴	۰/۷۵۸
معاشرت با دوستان ناباب	۵	۰/۷۸
استفاده از رسانه‌های نوظهور	۷	۰/۷۶۴
مشارکت در امور مدرسه	۵	۰/۷۱۳
فعالیت عوامل مدرسه	۱۴	۰/۷۱۵

$$n = \frac{(1.96)^2 \times \frac{(0.5 \times 0.5)}{(0.05)^2}}{1 + \frac{1}{1664} \left((1.96)^2 \times \frac{(0.5)(0.5)}{(0.05)^2} - 1 \right)} = 301$$

$$n = \frac{\frac{z^2 \times p \times q}{d^2}}{1 + \frac{1}{N} \left(\frac{z^2 \times p \times q}{d^2} - 1 \right)}$$

روش نمونه‌گیری ما در این مقاله، طبقه‌ای متناسب بوده است و افراد نمونه به تناسب تعداد مدارس و دانش‌آموزان انتخاب شده‌اند؛ چنان‌که از مدارس پسرانه، ۱۳۵ دانش‌آموز و از مدارس دخترانه، ۹۰ دانش‌آموز و از مدارس مختلط ۷۶ نفر انتخاب شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از ابزار پرسش‌نامه محقق‌ساخته استفاده شده و برای اندازه‌گیری متغیرها تعریف‌های عملیاتی ارائه شده است که در این قسمت به آنها اشاره می‌شود. سنجش متغیر وابسته (گرایش به ناهنجاری‌های اجتماعی دانش‌آموزان) با توجه به اهداف کلان آموزش و پرورش، از ۳ هدف تربیتی، انضباطی و آموزشی مشتق می‌شود که با سؤالاتی از گرایش به غیبت غیرموجه، گرفتن تذکر کتبی و شفاهی، محرومیت از کلاس، عوض کردن مدرسه به دلیل بی‌انضباطی، استفاده از وسایل دیگران بدون کسب اجازه و... از طریق پرسش‌نامه محقق‌ساخته و در قالب طیف، اندازه‌گیری شده است. در این مطالعه، به تبعیت از ولفگانگ و گلیکمن (1996) برای سنجش متغیر مستقل نوع کنش عوامل مدرسه، الگوهای رابطه عوامل مدرسه - دانش‌آموز را در رون محیط آموزش، به ۳ نوع الگوی مداخله‌گرایانه، غیرمداخله‌گرایانه (بی‌تفاوت) و تعامل‌گرایانه تقسیم کرده‌ایم (Wolfgang & Glickman, 1996: 87). پس از این کار هم، مؤلفه‌های هر الگو را با توجه به ویژگی‌هایی که آنان برای هر کدام از الگوهای رابطه عوامل مدرسه و دانش‌آموز ذکر کرده‌اند، از طریق گویه‌هایی در قالب طیف چهارگزینه‌ای از دانش‌آموز جویا شده‌ایم. متغیر مستقل ساختار تعاملات اعضای خانواده، با استفاده از سنخ‌شناسی چلبی از ابعاد تعاملات (ابزاری و اظهاری) با طیف لیکرت چهارگزینه‌ای شاخص‌سازی شده و متغیر مستقل معاشرت با دیگران ناباب، با پرسش از میزان تعامل با همسالان و خویشان

سؤال پژوهش این بوده که گرایش دانش‌آموزان سال نخست دوره متوسطه به نابهنجاری اجتماعی چقدر است؟ برای برآورد میزان گرایش به نابهنجاری اجتماعی و عوامل آن، از این جدول توصیفی استفاده شده است.

داده‌های جمع‌آوری شده به کمک نرم‌افزار SPSS تجزیه و تحلیل شده‌اند و در تجزیه و تحلیل اطلاعات، برای آزمون فرضیه‌ها از آزمون تی مستقل و آزمون همبستگی پیرسون استفاده شده است.

نتایج پژوهش

جدول ۲- توصیف متغیرهای تحقیق

متغیر	نوع متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	واریانس	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
نابهنجاری اجتماعی	وابسته	۳۰۱	۳۹/۶۹	۶۱/۴۶	۲۴	۶۳	۷/۸۴
کنش مداخله‌گرایانه	مستقل	۳۰۱	۱۱/۵۶	۷/۲۰۷	۴	۱۶	۲/۶۸
کنش غیرمداخله‌گرایانه	مستقل	۳۰۱	۸/۹۵	۶/۱۰۱	۵	۱۶	۲/۴۷
کنش تعامل‌گرایانه	مستقل	۳۰۱	۱۴/۵۵	۱۱/۶۰۲	۵	۲۰	۳/۴۰
تعامل با دیگران ناباب	مستقل	۳۰۱	۹/۶۳	۱۲/۱۸	۵	۲۰	۳/۴۸
تعاملات اظهاری	مستقل	۳۰۱	۲۴/۱۵	۱۲/۸۱	۸	۲۸	۳/۵۷
تعاملات ابزار	مستقل	۳۰۱	۱۳/۱۸	۱۴/۸۴	۷	۲۶	۳/۸۵
مشارکت در امور مدرسه	مستقل	۳۰۱	۱۰/۵۴	۵/۲۱	۵	۱۵	۲/۲۸
استفاده از رسانه‌های نوظهور	مستقل	۳۰۱	۷/۱۴	۱۵/۸۶	۳	۲۰	۳/۹۸

در ارتباط با گرایش به نابهنجاری اجتماعی با آزمون‌های آماری تحلیل شده است که در جدول (۳)، نتایج اطلاعات پژوهش ارزیابی می‌شوند.

مطابق با یافته‌های جدول توصیفی نمره گرایش به نابهنجاری اجتماعی ۳۶/۲ درصد از دانش‌آموزان، از میانگین بیشتر است. سپس متغیرهای مستقل برگرفته از نظریه‌ها

جدول ۳- رابطه بین متغیر وابسته با متغیرهای مستقل با متغیر وابسته (گرایش به نابهنجاری اجتماعی)

متغیرهای مستقل	ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معناداری
مداخله‌گر	-۰/۱۴۳	۳۰۱	۰/۰۱۳
بی تفاوت	۰/۲۶۹	۳۰۱	۰/۰۰۰
تعامل‌گرا	-۰/۲۲۷	۳۰۱	۰/۰۰۰
تعاملات اظهاری	-۰/۲۱۹	۳۰۱	۰/۰۰۰
تعاملات ابزار	۰/۴۱۱	۳۰۱	۰/۰۰۰
معاشرت با دیگران ناباب	۰/۵۱۵	۳۰۱	۰/۰۰۰
مشارکت در امور مدرسه	-۰/۱۰۲	۳۰۱	۰/۰۷۷
استفاده از رسانه‌های نوظهور	۰/۲۷۶	۳۰۱	۰/۰۰۰
پایگاه اقتصادی	۰/۱۳۹	۳۰۱	۰/۰۰۰
پایگاه اجتماعی	۰/۲۳۵	۳۰۱	۰/۰۰۰

استفاده از رسانه‌های نوظهور و گرایش به ناهنجاری‌های اجتماعی افراد رابطه معنادار و مثبتی وجود دارد ($r = 0/276$ و $p < 0/01$) به عبارت دیگر، یک واحد تغییر در استفاده از رسانه‌های نوظهور، گرایش به ناهنجاری‌های اجتماعی را ۲۷ درصد افزایش می‌دهد.

ضریب همبستگی پایگاه اجتماعی با گرایش به ناهنجاری اجتماعی $0/235$ و ضریب همبستگی پایگاه اقتصادی با گرایش به ناهنجاری اجتماعی $0/139$ گزارش شده است؛ یعنی با ارتقاء پایگاه اجتماعی و اقتصادی پاسخگویان، گرایش به ناهنجاری اجتماعی افزایش می‌یابد.

جدول ۴- نتایج آزمون t مستقل برای مقایسه گرایش به ناهنجاری

اجتماعی در بین دختران و پسران				
جنسیت	میانگین نمرات	میانگین اختلاف	مقدار t	مقدار سطح معناداری
پسر	۳۹/۲۶۴	-۰/۹۱۱۱	-۱/۰۰۷	۰/۳۱۵
دختر	۴۰/۱۷۶			

بر اساس آزمون t مستقل، تفاوت معناداری بین متغیر جنسیت و گرایش به ناهنجاری اجتماعی دیده نشده است ($t = -1/007$ و $p > 0/05$) بنابراین، فرضیه پژوهش، مبنی بر وجود تفاوت در گرایش پسران و دختران، به ناهنجاری اجتماعی رد و فرض صفر تأیید می‌شود.

بحث و نتیجه

در اصطلاح جامعه‌شناسی به هنجارها الگوهای استاندارد شده رفتار می‌گویند که این الگوها رفتار ایده آل یا مطلوب جامعه را نشان می‌دهند. هنجارها در جامعه‌شناسی به صورت قاعده رفتاری عمل می‌کنند که افراد برای انجام کارها از آنها پیروی می‌کنند و در عین حال، رفتار انسان‌ها نیز با آنها سنجیده می‌شود؛ بنابراین، هنجارهای اجتماعی این مسائل را تعیین می‌کنند: ۱- انسان چه باید بگوید و از گفتن چه چیزهایی باید اجتناب ورزد و ۲- باید چگونه بیندیشد و چگونه رفتار کند. باتوجه به همین

طبق اطلاعات جدول (۳)، همبستگی کنش مداخله‌گرایانه با گرایش افراد به ناهنجاری اجتماعی معنادار ($r = -0/143$ و $p < 0/05$) و جهت این رابطه منفی است؛ به عبارت دیگر، با افزایش فعالیت‌های مداخله‌گرایانه و سخت‌گیرانه، میزان گرایش به ناهنجاری اجتماعی کمتر می‌شود.

میزان همبستگی کنش غیرمداخله‌گرایانه با گرایش افراد به ناهنجاری اجتماعی در سطح ۹۹ درصد اطمینان، معنادار است ($r = 0/269$ و $p < 0/01$) یعنی با تغییر در یک واحد کنش غیرمداخله‌گرایانه، گرایش به ناهنجاری اجتماعی به میزان ۲۶/۹ درصد بیشتر می‌شود.

همبستگی کنش تعامل‌گرایانه با میزان گرایش به ناهنجاری اجتماعی ($r = -0/227$ و $p < 0/01$) تعیین شده است که این امر نشان می‌دهد با افزایش کنش‌های تعامل‌گرایانه، میزان ناهنجاری‌های اجتماعی کم می‌شود.

برای سنجش میزان همبستگی ساختار تعاملات اعضای خانواده با گرایش به ناهنجاری اجتماعی دانش‌آموزان، ابعاد تعاملات اعضای خانواده در ۲ بُعد (اظهاری/ ابزاری) مشخص شده که ضریب همبستگی پیرسون، رابطه هر ۲ بُعد را با متغیر وابسته با ۹۹ درصد اطمینان، معنادار نشان داده است. همچنین، همبستگی بعد اظهاری $0/219$ و $r = -$ و $p < 0/01$ و همبستگی بعد ابزاری $0/411$ و $r =$ است.

مطابق نتیجه آزمون پیرسون، بین گرایش به ناهنجاری‌های اجتماعی و معاشرت افراد با دیگران ناباب رابطه معناداری وجود دارد ($r = 0/515$ و $p < 0/01$) یعنی میزان معاشرت و تعامل با دیگران ناباب هنجارشکن، با میزان گرایش به ناهنجاری‌های اجتماعی به صورت تنگاتنگی رابطه دارد.

بین متغیر مشارکت در امور مدرسه و گرایش به ناهنجاری اجتماعی رابطه ضعیفی دیده می‌شود ($r = -0/102$ و $p > 0/05$) به طوری که مطابق جهت معکوس ضریب همبستگی با افزایش میزان مشارکت در امور مدرسه، میزان گرایش به ناهنجاری اجتماعی هم کمتر می‌شود.

گذشته از آن، بر اساس نتیجه آزمون پیرسون، بین میزان

دارد؛ پس می‌توان ادعا کرد که بین یافته‌های میدانی پژوهش و نظریه ساترلند، کوهن و گرینر هم فراخوانی وجود دارد.

پذیرش و مشارکت فرد در نقش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی یکی از پارامترهایی است که به دلستگی افراد به عناصر انسجام‌بخش جامعه منجر می‌شود. پذیرش فرد و نقش آفرینی او در گروه یا نهادهای اجتماعی سبب می‌شود فرد با جمع پیوند یابد و احساسات و عواطف خود را با احساسات جمعی گره بزند و به عبارتی درد جامعه را درد خود و شادی آن را شادی خود ببیند؛ بنابراین، در ارتباط با نابهنجاری اجتماعی متغیر مشارکت در امور مدرسه، به شکل یکی از متغیرهای مستقل سنجیده شده است.

مرتن، هیرشی، سیمن و رکلس، از نظریه‌پردازان پارادیم کارکردگرایی بر این باورند که در فرایند جامعه پذیری اگر فرد نتواند ارزش‌ها و هنجارهای جامعه را در خود نهادینه کند، دلستگی و تعلق خاطرش به جامعه تضعیف و این احساس بیگانگی نسبت به هنجارها به ایجاد نابهنجاری‌های اجتماعی می‌انجامد. باتوجه به این مطلب، اگر دانش‌آموز در مدرسه قادر نباشد خود را با هنجارهای حاکم بر آن وفق دهد، خود را بیگانه احساس می‌کند و به همین دلیل، نخواهد توانست در امور مدرسه مشارکت کند و این امر، به جز احساس بیگانگی به بروز نارضایتی عوامل مدرسه (مدیر، معلم و...) از اقدامات او منجر خواهد شد (مرتن، هیرشی، سیمن و رکلس به نقل از ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۲۲).

با افزایش میزان مشارکت در امور مدرسه، میزان گرایش به نابهنجاری اجتماعی کمتر می‌شود. سبک تعامل و نوع کنش عوامل مدرسه با نوجوان که روحیه حساس و تأثیرپذیری دارد، در گرایش او به هم‌نوایی یا کژرفتاری می‌تواند مؤثر باشد. فعالیت‌های مبتنی بر پیوندهای دوستانه و مشارکت طلبانه، همراه با تعاملات سخت‌گیرانه و استبدادی در جامعه‌پذیری دانش‌آموز به‌طور متفاوتی نتیجه خواهد داشت؛ چنان‌که با افزایش کنش‌های مداخله‌گرایانه و سخت‌گیرانه، میزان گرایش به نابهنجاری اجتماعی کمتر می‌شود.

مسائل، هر کس سعی می‌کند رفتار خود را با هنجارهای اجتماعی سازگار کند تا جامعه او را به شکل عضوی از خود بپذیرد. این امور، از جمله هنجارهای جامعه محسوب می‌شوند: قوانین، طرز لباس پوشیدن، مقررات رسمی و اداری، احکام فقهی و شرعی، برنامه تحصیلی، قواعد ورزش‌ها و بازی‌ها، آداب و رسوم و نظایر آن (محسنی، ۱۳۸۶: ۳۰).

مطابق همبستگی بُعد اظهاری تعامل، در صورت حاکم‌بودن رابطه صمیمی و توأم با عطف و احترام به شخصیت فرد در خانواده، گرایش به نابهنجاری اجتماعی کاهش و در غیر این صورت، افزایش می‌یابد؛ به این ترتیب، این ادعا با مدل نظری چلبی و نظریه «دیانا باومریند» و «صدیق سروستانی» و نتایج پژوهش‌های عباسی و شیری (۱۳۸۷) همسو است.

معاشرت با دیگران ناباب در فراگرد یادگیری فرهنگی اجتماعی و به تبع، در جریان کژرفتاری و نابهنجاری اجتماعی تأثیر دارد. فرد در تعامل با دیگران، ارزش‌ها و ضدارزش‌ها و هنجارها و نابهنجاری‌ها را در برابر فعالیت‌ها و کژرفتاری‌ها می‌آموزد و سپس، آنها را درونی می‌کند و بعد هم به کار می‌گیرد.

ساترلند، کوهن و گرینر، بر پایه پارادیم کنش متقابل نمادین، بر این باورند که رفتار انحرافی از طریق انتقال فرهنگی آموخته می‌شود. مطابق این حکم، اگر رابطه دانش‌آموزان با گروه‌های ناباب (خویشان و همسالان) و با تأثیرپذیری از پیام‌های نابهنجار رسانه، در زمان طولانی و با فراوانی بیشتر باشد، احتمال هنجارشکنی تشدید خواهد شد. نتیجه این مطالعه نیز نشان داده است که بین گرایش به نابهنجاری‌های اجتماعی و معاشرت افراد با دیگران ناباب، رابطه معناداری وجود دارد؛ یعنی میزان معاشرت و تعامل با دیگران ناباب هنجارشکن، با میزان گرایش به نابهنجاری‌های اجتماعی به‌طور تنگاتنگی در ارتباط است.

همچنین، بین میزان استفاده از رسانه‌های نوظهور و گرایش به نابهنجاری‌های اجتماعی افراد رابطه معنادار و مثبتی وجود

احترام‌گذاشتن والدین به شخصیت فرزندان، زمینه‌ساز هم‌نوایی با ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است.

به اعتقاد دیانا باومریند، از نظریه‌پردازان حوزه روان‌شناسی اجتماعی و صدیق سروستانی از پژوهشگران مسائل اجتماعی در تعاملات اجتماعی احترام به شخصیت طرف مقابل، او را به پیروی از هنجارهای گروه علاقه‌مند می‌کند؛ به‌این ترتیب، در صورت وجودداشتن تعاملات محترمانه و دموکراتیک میان والدین و عوامل مدرسه با دانش‌آموزان، گرایش آنها به نابهنجاری‌های اجتماعی بیشتر می‌شود.

طبق یافته‌های پژوهش مشخص شده است سبک تعامل و نوع فعالیت عوامل مدرسه با نوجوان حساس و تأثیرپذیر، در گرایش او به هم‌نوایی یا کژرفتاری می‌تواند مؤثر باشد؛ به عبارت دیگر با افزایش کنش‌های تعامل‌گرایانه، میزان گرایش به نابهنجاری اجتماعی کمتر می‌شود و رفتارها و فعالیت‌های مبتنی بر آناشسیسم و بدون کنترل، با بروز نابهنجاری اجتماعی مرتبط هستند.

معاشرت با دیگران ناباب، در فراگرد یادگیری فرهنگی اجتماعی و به‌تبع آن، در کژرفتاری و نابهنجاری اجتماعی تأثیر دارد. فرد در تعامل با دیگران، ارزش‌ها و ضدارزش‌ها و هنجارها و نابهنجاری‌ها را در برابر کنش‌ها و کژرفتاری‌ها می‌آموزد و سپس، ضمن درونی‌کردنشان، درنهایت آنها را به کار می‌گیرد؛ به همین دلیل، می‌شود ادعا کرد بین نتایج میدانی پژوهش و نظریه ساترلند، کوهن و گریبتر هم، فراخوانی وجود دارد. مجموعه قوانین و مقررات ایجادشده به دست نهادهای اجتماعی برای هنجارپذیری افراد خود باید رعایت شود؛ زیرا تخطی از آنها مجازات یا طرد را به دنبال خواهد داشت. مسلماً در واحدهای آموزشی نظارت‌کنندگان بر رفتار دانش‌آموزان، معلمان مدرسه و بیرون از مدرسه والدین هستند. اگر خانواده و مدرسه در امر جامعه‌پذیری نوجوانان و جوانان کوشا باشند و هنجارهای اجتماعی را در آنها درونی کنند، آنها کمتر به انجام رفتارهای

به باور مرتن و پارسونز، ساخت اجتماعی برای خود ارزش‌ها و هنجارهایی دارد که محدودیت‌ها و الزام‌هایی برای فرد محسوب می‌شوند و او در حین عمل با آنها مواجه است. موقعیت اجتماعی و اقتصادی خانواده نیز نحوه جامعه‌پذیری افراد را مشخص می‌کند (مرتن و پارسونز به نقل از ریتزر، ۱۳۷۴: ۱۲۲). در این مقاله نیز میان پایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی در زمینه گرایش به نابهنجاری اجتماعی تفاوت معناداری وجود دارد؛ به همین دلیل، براساس دیدگاه مرتن و پارسونز، منزلت اجتماعی و پایگاه اقتصادی خانواده در تربیت فرزندان به صورت محوری نقش دارد و میزان نابهنجاری افراد را تعیین می‌کند.

براساس دیدگاه تضاد، گروه‌های جامعه برای دستیابی به قدرت و رسیدن به منابع کمیاب، باهم در حال ستیزند. از نظر آنها در زندگی اجتماعی فرد برای رسیدن به طبقه قوی‌تر (مارکس) یا منزلت اجتماعی فراتر (ماکس وبر) دائماً با مبارزه مواجه است. محرومیت و تحقیر زیردستان در روابط متقابل اجتماعی به ایجاد تضاد با فرادستان و بروز نابهنجاری‌های اجتماعی منجر می‌شود (کوزر). استنباط این است که دانش‌آموزان دختر هر قدر محرومیت و تحقیر را در تعاملات اجتماعی تجربه کنند، بیشتر به کژرفتاری گرایش می‌یابند. با در نظر گرفتن هدف مقاله و باتوجه به این استنباط نظری درخصوص این گزاره، از بین فرضیه‌های مختلف، فرضیه گرایش به نابهنجاری برحسب جنسیت متفاوت است. همچنین، از طریق تی تست، دو نمونه مستقل سنجیده شده است.

والدین و عوامل مدرسه، چنانچه تعاملات محترمانه و دموکراتیک با دانش‌آموزان نداشته باشند، گرایش آنها به نابهنجاری‌های اجتماعی بیشتر می‌شود؛ بنابراین، این ادعا با نظریه دیانا باومریند و صدیق سروستانی و یافته‌های تحقیقات عباسی و شیرینی (۱۳۸۷) همسو است. ساختار تعاملات اعضای خانواده، یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌هایی محسوب می‌شود که در آینده اجتماعی فرزند مؤثر است. در تعاملات اجتماعی

اولیاء برگزار گردد تا والدین ضمن آشنایی با آنها از آسیب‌های رسانه‌های نوظهور (از قبیل تلگرام، فیس‌بوک و...) آگاه شوند. این آسیب‌ها ممکن است مولد خشونت و بی‌نظمی و بی‌هنجاری باشند؛ به همین دلیل، والدین باید بر میزان استفاده از این رسانه‌ها کنترل داشته باشند.

- دانش‌آموزان باید در امور مدرسه (در تمیزکردن مدرسه و گل‌کاری در مدرسه و تصمیم‌گیری‌های دانش‌آموزی) مشارکت داشته باشند.

- هم مدرسه و هم خانواده، باید از طریق بازیابی رفتارهای دانش‌آموزان و نظارت بر دوستان منتخب آنها میزان معاشرت آنان با دوستان ناباب را کمتر کنند تا گرایش به نابهنجاری در بین آنها کم شود.

- باید با مطالعه و شناخت پایگاه اجتماعی و اقتصادی خانواده دانش‌آموزان، شیوه آموزشی و تربیتی متناسب به کار گرفته شود.

منابع

آقازاده، غ. ح. (۱۳۸۹). بررسی عوامل خانوادگی و درون‌مدرسه‌ای مؤثر بر ناهنجاری‌های رفتاری در میان دانش‌آموزان دوره متوسطه شهر مراغه در سال ۸۹-۱۳۸۸، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی، دانشگاه پیام نور تهران.

احمدی، ح. (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی انحرافات، شیراز: انتشارات رز.

چلبی، م. (۱۳۸۵). تحلیل اجتماعی در فضای کنش، تهران: نشر نی.

حسینی، غ. (۱۳۷۹). میزان و علل ناهنجاری‌های اجتماعی دانش‌آموزان مقطع راهنمایی روش‌های مقابله با آن، مشهد: انتشارات شورای تحقیقات سازمان آموزش و پرورش خراسان رضوی.

ترنر، ج. (۱۳۸۴). پیدایش نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه:

نابهنجار روی می‌آورند. چه بسا نظارت و کنترل والدین بعد از خروج فرزندان از خانه یا میزان نظارت اولیاء مدرسه در خارج از محیط آموزشی کم‌رنگ باشد؛ اما اگر هنجارها در نوجوانان درونی شده باشند، احتمال ارتکاب رفتارهای انحرافی در آنها کمتر دیده می‌شود.

پایگاه اجتماعی و اقتصادی به صورت ساخت اجتماعی حاوی ارزش‌ها و هنجارهاست که این مسائل، محدودیت‌ها و الزام‌هایی برای نوجوان به شمار می‌روند و او در حین عمل با آنها مواجه است؛ به همین دلیل، دانش‌آموزان متعلق به پایگاه اجتماعی و اقتصادی خاص، با تکیه بر ارزش‌ها و هنجارهای پایگاه خود، در مواجهه با نابهنجاری‌ها رفتار خود را تنظیم می‌کنند. طبق یافته‌ها با افزایش پایگاه اجتماعی و اقتصادی پاسخگویان، گرایش به نابهنجاری اجتماعی افزایش می‌یابد و این مسئله، با نظریه‌های جامعه‌شناسی چون مرتن و پارسونز همسو است.

پیشنهاد‌های پژوهش

رابطه تعاملات اظهاری با گرایش به نابهنجاری منفی است؛ بنابراین، پیشنهاد می‌شود تعامل والدین با دانش‌آموزان، با الفاظ مهربانانه و صمیمی همراه باشد و همچنین، از کلمات محبت‌آمیز مثل عزیزم و واژه‌های مثبت دیگر استفاده شود.

- اگر فعالیت عوامل مدرسه و اولیاء با دانش‌آموزان مداخله‌گرایانه باشد، مدیران و معاونان مدرسه در مقابل دانش‌آموزان نباید بی‌اعتنا باشند؛ بلکه باید بر کنش‌های آنان نظارت داشته باشند و به آنها درباره رفتارهای بهنجار مشاوره بدهند یا در قالب بروشورهایی در زمینه عواقب نابهنجاری به دانش‌آموزان آگاهی دهند.

- در صورتی که الگوی فعالیت عوامل مدرسه دموکراتیک باشد، باید دانش‌آموزان را در تزیین مدرسه و کلاس برای مناسبت‌های مذهبی و ملی مشارکت دهند.

- برای استفاده مطلوب از رسانه‌های نوظهور از طرف دانش‌آموزان، کارگاه‌هایی به منظور افزایش سواد رسانه‌ای

- عبدالعلی لهسایی زاده، شیراز: انتشارات نوید.
- مشیدی، ا. (۱۳۸۰). *بررسی عوامل اجتماعی اقتصادی مؤثر بر خرابکاری اموال عمومی به دست دانش‌آموزان شهر تهران، تهران: شورای تحقیقات اداره آموزش و پرورش تهران.*
- رضایی، ر. (۱۳۸۹). *بررسی ناهنجاری در نوجوانان راهنمایی و دبیرستانی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه گیلان.*
- ریتزر، ج. (۱۳۷۴). *نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر، محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.*
- ساروخانی، ب. (۱۳۷۰). *درآمدی بر دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: انتشارات کیهان.*
- ستوده، ه. ا. (۱۳۸۰). *آسیب شناسی اجتماعی (جامعه شناسی انحرافات)، تهران: انتشارات آوای نور.*
- شاطریان، م.؛ اسمی جوشقانی، ز و نوریان آرانی، ف. (۱۳۹۲). «بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر ناهنجاری های رفتاری دانش آموزان، مطالعه موردی شهرستان آران و بیدگل»، *مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران،* ۵، ش ۳، ص ۱۵۳-۱۲۳.
- سخاوت، ج. (۱۳۷۷). *جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: پیام نور.*
- سخاوت، ج. (۱۳۸۱). «بررسی عوامل مؤثر بر ناهنجاری های رفتاری دانش آموزان استان لرستان»، *مجله جامعه شناسی ایران،* ۴، ش ۲، ص ۶۷-۵۵.
- صدیق سروستانی، ر. ا. (۱۳۷۶). *آسیب شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات آگه.*
- عباسی اول، ک. (۱۳۹۱). «عصر تغییرات سریع؛ بررسی ناهنجاری های اجتماعی در مدارس و ارائه راهکارهای عملی»، *روان شناسی رشد مشاور مدرسه،* دوره هفتم، ش ۴، ص ۳۵-۳۲.
- عباسی، ر. و شیرینی، م. (۱۳۸۷). «بررسی میزان گرایش دانش آموزان دوره متوسطه نظری به ناهنجاری های اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن» *فصلنامه تخصصی علوم اجتماعی،* ۶، ش ۲۷، ص ۶۵-۴۵.
- عبداللهی، م. (۱۳۸۳). *آسیب شناسی اجتماعی و روند تحول آن در ایران، تهران: نشر آگه.*
- فتح اللهی، س. (۱۳۹۱). «بررسی عوامل مؤثر بر بزهکاری و میزان شیوع آن در بین دانش آموزان» *فصلنامه پژوهش های اطلاعاتی و جنایی،* ۷، ش ۳، ص ۸۸-۶۱.
- کوزر، ل. و روزنبرگ، ب. (۱۳۸۵). *نظریه های بنیادی جامعه شناسی، ترجمه: فرهنگ ارشاد، تهران: نشر نی.*
- محسنی، م. (۱۳۸۶). *جامعه شناسی انحرافات اجتماعی، تهران: طهوری.*
- محسنی تبریزی، ع. ر. (۱۳۸۳). *وندالیسم، مبانی روان شناسی اجتماعی، جامعه شناسی و روان شناسی رفتار وندالیستی در مباحث آسیب شناسی و کنتر رفتاری اجتماعی، تهران: انتشارات آن.*
- ممتاز، ف. (۱۳۸۱). *انحرافات اجتماعی، نظریه ها و دیدگاه ها، تهران: شرکت سهامی انتشار.*
- نبوی، ع. ح.؛ ملتفت، ح. و براتیان، ع. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل مؤثر در بروز رفتارهای وندالیستی در میان دانش آموزان مقطع متوسطه شهرستان ایذه»، *جامعه شناسی کاربردی،* دوره ۲۲، ش (۳۴) ۳، ص ۲۲، ص ۱۰۰-۸۳.
- Ball, Joanna. (2005) *The moderating effect of family factors on the relation -ship between life time traumaerent exposure and journal Delinquency in a sample of male journal offenders, dissertation PHD Georgia state university.*
- Booth, Jeb, Amy Farrell and Sean. Varano. (2008) *Social Control, Serious Delinquency, and Risky Bihavior: A Gender Analysis, Crime & Deliquency, Originally Published online 26 February, Sage publication.*
- Baumrind, D. (1980) "New Directions in Socialization Research", *American Psychologist*, 35: 639-652.

- Kawamoto, K. (2001) *Things you should know About New media: A user Friendly primer*. London: McMillan Palgrave.
- Leiber, Michael J. Kristin, Y. Mack, and Richard, A. Featherston. (2008) *Family Structure, Family Processes. Economic Factor and Delinquency: Similarities and Differences by Race and Ethnicity*, Sage publication.
- Heng, C. O. C. Wing, H. C. (2013) "Social Bonds and School Bullying: A Study of Macanese Male Adolescents on Bullying Perpetration and Peer Victimization, Child & Youth Care Forum", *Journal of Reaserch and Practice in Children, Services*, 42(6): 599-613.
- Jenkins, P. (1997) "School Delinquency and The School Social Bond", *Journal of Research in Crime and Delinquency*, 34: 337-367.
- Seeman, M. (1972) "The Urban Alienations: Some Dubious Theses from Marx to Marcuse", *Journal of Personality and Social Psychology*, 19(2): 135-143.
- Wolfgang, C. H. & Glickman, C. D. (1996) *Solving Discipline Problems: Strategies for Classroom Teachers*. Boston: Allyn and Bacon.